



۲۰۱۴/۰۲/۲۷



داؤد موسی

## درس املاء به داکتر صاحب فرید یونس

رسید از دست محبوبی بدستم  
که از بوی دلاویز تو مستم  
ولیکن مدتی با گل نشستم  
وگرنه من همان خاکم که استم

گل خوشبوی در حمام روزی  
بدو گفتم که مشکي يا عبيري؟  
بگفتا که نه مشکم نی عبیرم  
کمال همنشین در من اثر کرد

این بود گفته شاعر. اما بدبختانه گلی را که از دست محبوبی به دست من رسیده است، نمی توان در کتگوری گل های خوشبو بیاوریم. داستان ازین قرار است که دیروز یکی از دوستان نوشته داکتر صاحب فرید یونس را تحت عنوان "انتخاب اشرف غنی یک اشتباه تاریخی است" از طریق انترنت بمن فرستاد که در اقل بسیار دلچسپ اما در عین حال خیلی مأیوس کننده بود. چون جناب یونس باشنده امریکا می باشند، جواب شان را با یک مثلی از زبان انگلیسی آغاز می نمایم که می گویند:

When in Rome, do as the Romans do یعنی وقتی در روم زندگی می کنی، مثل مردم روم رفتار کن. با در نظر داشت این اداز، به نظر من، نوشته داکتر صاحب از دو جهت مواجه به اعتراض می باشد:

■ اول در جهان غرب قلم بدستانی که ادعاء دارند نوشته های شان سر مشقی برای پندار و کردار دیگران است، از همه اولتر از سواد کامل بر خوردار می باشند. اما از بخت بد که این خاصیت تا هنوز در نوشته های داکتر صاحب ما به نظر نمی خورد. بصورت مثال:

• (تعین) می نویسند به جای تعیین. (القاء) می نویسند بجای القاح. (تائید) می نویسند بجای تأیید و (مسؤل) می نویسند بجای مسؤل.

• مثل گویندگان بی بی سی و صدای امریکا فرق بین کلمات (شامل) و (مشمول) را نمی کنند. مثلاً نوشته اند که "خلیلزاد شامل وزارت خارجه امریکا شد". یعنی خلیلزاد وزارت خارجه امریکا را در شکم خود فرو برد. در حالی که در واقع خلیلزاد در زمره کارمندان وزارت خارجه امریکا "مشمول" گردید. یا لیست نام های کارمندان وزارت خارجه امریکا شامل نام خلیلزاد نیز بود. در جای دیگر باز می نویسند که "اشرف غنی شامل بانک جهانی شد".

• جناب شان عادت ندارند در اخیر پاراگراف های خود نقطه (.) بگذارند، که این خود یک غلطی انشایی است.

• اشکال داکتر صاحب با نوشتن حرف همزه نیز بسیار برجسته می باشد. در واقع در زبان فارسی - یا اگر خوشتر دارید، زبان دری، حرف همزه تنها در اول کلمه می آید و بس. مثلاً در کلمات (اره)، (است)، (آهن)، (انبر) و غیره. هرگاه همزه در وسط یا اخیر کلمه نوشته شود، آن کلمه یا عربی می باشد، یا از مشتقات زبان های اروپایی، و یا هم با املاء غلط نوشته می باشد. مثلاً کلمات (تأیید)، (شیء)، (مؤنث)، (شوون)، (سوء)، (شوون)، (سماء) و غیره که در اصل عربی اند. کلمات دیگر از قبیل (دئو تیزم)، (ننو نازیزم) و (تئولوژی) که ایرانیان به کار میبرند، ساخته دست و مخیله خود شان می باشد (\*). اما کلمات (نرم گرائی)، (کمائی)، (جدائی)، (قوم گرائیان پشتون) و (همنوائی) که داکتر صاحب در نوشته فوق الذکر خود بکار برده اند، در کتگوری سوم می آید زیرا حرف همزه در وسط یا اخیر این کلمات - که اصلاً دری می باشند، راه ندارد. لهذا نرم گرائی، کمایی، جدایی، قوم گرائیان پشتون و هم نوایی باید نوشته می شد.

• در زبان دری (فارسی) حرف سین صامت قبل از حروف پ، ک، م، ت و امثالهم نمی آید. لهذا وقتی "دری زبانان یا فارسی زبانان اصیل!!!!!!" با تلفظ چنین کلماتی بر می خورند، یا حرف الف را قبل از حرف سین علاوه می کنند، و یا هم حرف سین صامت را حرکت کسره می دهند. مثلاً (استرانیژی) به جای سترانیژی، (اسموکینگ) به جای سموکینگ، (استارت) بجای ستارت، (اسپنتا) بجای سپنتا و غیره تلفظ می نمایند. همچنانست وجود دو حالت مختلف نام (سکندر) و (اسکندر) در زبان دری (فارسی). همین خاصیت در اکثر زبان های لاتینی چون ایتالی، اسپانوی، و اندکی در فرانسوی و بر علاوه در زبان های اردو، پنجابی و عربی نیز دیده می شود. پس چون این "کم آبی" خارج کنترل عوام درس خوانده می باشد، خواهی نخواهی

۱- در زبان اردو نیز نام شرکت هوایی PIA را "پی آئی ای" می نویسند در حالیکه در زبان خود شان کلمات "های های" وجود دارد. از نظر علم صدا شناسی بین "ای" و "های" به جز حرف اول آنها کدام فرق دیگری وجود ندارد.

تلفظ چنین کلمات به نحوه نادرست آن صورت می گیرد. اما لازم نیست که یک شخص تعلیم دیده - و آن هم به سویه دکتورا، این الف اضافی را در نوشته هم بیاورد. داکتر صاحب لفظ "استوارد" و "اسپریم" را بکار برده اند که باید "ستوارد" و "سپریم" می نوشتند.

■ نکته دوم این که در جهان غرب، نوشته های پر مدعی، مثل همین مضمون داکتر صاحب بونس که به منظور اثبات نظر نویسنده می باشد، در هر مقطع، حاوی یک یا چند ریفرنس و نظر همگون از منابع دیگر می باشد. اما داکتر صاحب بونس در سرتاسر نوشته خود به غیر از اشاره به دو سه مضمون خود، دیگر کدام ریفرنس یا مدرکی را که مؤید قول شان باشد اصلاً ذکر نکرده اند. تنها در یک موضوع همین قدر گفته اند که "خواندیم که..." ازین که در کجا خواندیم؟ که نوشته بود؟ و یا به کدام ارتباط نوشته بود، هیچ درکی وجود ندارد. از دلیل اصلی تعلیم خلیل زاد و اشرف غنی در یونیورسیتی امریکایی بیروت سخن رانده اند که این عمل یک توطئه برای تربیه عمالی بود که در آینده سیاست های کپیتهالیستی امریکا را در افغانستان پیاده کنند. آیا برای نیل به این منظور بهتر نبود که همین دو نفر را از اول در خود امریکا زیر "دم" می گرفتند؟

باز می نویسند که اشرف غنی اکثراً برای عبادت با خانمش به کلیسا می رود. "این هم شد نمونه دیگری از تکفیر در قبال عدم دست رسی به دلیل منطقی و شواهد که در دنیای امروز بنام Conspiracy Theory خریدار زیاد دارد. این موضوع که در گذشته دولت امریکا با مطبوعات کشور ما همکاری محرمانه داشته نیز بدون مدرک به خورد خوانندگان داده شده است. به همان طوری که ادعاه مشهور شدن اشرف غنی به همت دولت امریکا بعد از خوردن مهر تأیید دولت اسرائیل صورت گرفته است.

استنباط یگانه من ازین طرز نویسندگی اینست که آقای داکتر صاحب مدعیات خود را (العیاذ بالله) لاریب فیه و همتای نص قرآن خوانده و می خواهند که خوانندگان به مدعیات شان بدون اندک سؤالی جبین اطاعت بر زمین بسایند.

درینکه من نه تنها با داکتر اشرف غنی، بلکه از برادر، پدر و مادر مرحومه شان گرفته تا کاکا های شان آشنایی بیشتر از نیم قرن دارم شکی نیست. اما این نوشته نه به این منظور می باشد که یکی دوست مرا بی مورد هدف ملامت قرار داده است، بلکه تنها و تنها برای آنست که هر کاندیدی - یا هر شخصی را که یکی با چنین بی مبالاتی و عدم التفات به موازین کلتوری و اداب نویسندگی آماج تهمات بی مورد قرار بدهد، خود آن نویسنده در خور ملامت بوده و باید در اقل به جواب شان پرداخته شود. الله یاور

پایان

د پانوی شمیره: له ۲ تر ۲

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ